

## انتخابات مجلس

به سود دو گروه‌بندی انتخاباتی "مجاهدین انقلاب اسلامی" و "کارگزاران" (خدمتگزاران) و در جهت در هم شکستن رای "ارتجاع" فعالیت خود را تشدید کنیم

حکومتی (رسالت، موتلفه اسلامی و حجتیه)، که در تائید صلاحیت برخی چهره‌های ملی-مذهبی مخالف سیاست‌های حکومت بازتاب یافت؛

— درهم شکستن سدهای استوار ارتجاع برای ورود بسیار دشوار گرایش‌های رادیکال و چپ مذهبی به صحنه انتخاباتی؛

— متشکل شدن بخشی از دولت و حکومت، زیر عنوان "کارگزاران" با شعار دفاع از آزادی‌های موجود، که در حقیقت دفاع از حیات سیاسی خود آنها نیز هست. و تاکید بر ضرورت برقراری عدالت اجتماعی در عرصه اقتصادی، که هر دو سیاست، در مصاحبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۷۴ "فائزه هاشمی"، کاندیدای این گروه‌بندی با روزنامه "اخبار" چاپ تهران طرح و مورد تاکید قرار گرفت و ما آنرا ادامه سیاست "تعدیل" در برنامه "تعدیل اقتصادی" ارزیابی می‌کنیم!

— عبور "نهضت آزادی ایران" از موانع حکومتی و تائید صلاحیت برخی رهبران آن، در مرحله نخست تعیین صلاحیت‌ها و تحمیل تائید صلاحیت برخی از چهره‌های مورد حمایت این تشکل سیاسی به شورای نگهبان در مرحله نهائی؛

— ورود و بازگشت چند نشریه جدید مذهبی غیر حکومتی به صحنه و پیوستن آنها به جنبش آزادیخواهی و افشای چهره ارتجاع قدرتمند "روحانیت-بازار"؛

— دفاع صریح و عام سازمان‌ها و گروه‌بندی‌های آرمان‌گرا و چپ مذهبی از "آزادی‌ها" بعنوان یگانه سنگر موجود برای مقابله با "قدرت مطلقه ارتجاع"؛

— نشانه‌های مشهود، از برخی همگامی‌های محدود بسین گروه‌بندی "کارگزاران" و گروه‌بندی‌های چپ مذهبی، که در اسامی مشترک برخی کاندیداهای این دو گروه‌بندی بازتاب یافت.

— و...

همه از دست آوردهای "جنبش آزادیخواهی مردم ایران" در این مرحله و در جریان انتخابات پنجمین دوره مجلس اسلامی است.

ما باز هم تاکید می‌کنیم، که در عین تلاش برای درهم شکستن رای ارتجاع، پیش از آنکه نتایج آراء صندوق‌های رای اهمیت حیاتی داشته باشد، افشای ارتجاع، رشد جنبش، شکل‌گیری ائتلاف‌ها و اتحادهای نوین و ضرورت دفاع از آزادی‌های موجود در کشور برای مقابله با قدرت مطلقه ارتجاع اهمیت دارد!

پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در شرایطی متفاوت با دوره‌های گذشته برگزار می‌شود. برجسته‌ترین ویژگی این دوره از انتخابات (صرف نظر از نتایج آراء، که بستگی به تشکل، سازماندهی و آگاهی عمومی مردم از واقعیات پشت پرده دارد) پیروزی جنبش آزادیخواهی مردم ایران در این مرحله، برای تحمیل برخی عقب‌نشینی‌ها به حکومت است. این پیروزی و ضرورت تثبیت آن، با هدف انزوای بیشتر ارتجاع و به عقب راندن باز هم بیشتر آن در حکومت، از چنان اهمیتی برخوردار است، که ما وظیفه خود می‌دانیم توجه همه میهن‌دوستان را بدان جلب کنیم.

کارزار انتخاباتی، بویژه در هفته‌های گذشته موجب یک سلسله صف‌بندی‌ها در حکومت، رشد آگاهی عمومی از مسائل پشت پرده حکومت، افشای قدرت سرمایه‌داری تجاری وابسته (تجار و بازاریان بزرگ) در جمهوری اسلامی، افشای روحانیت وابسته به این قدرت، برداشته شدن نقاب از چهره طرفداران "ولایت مطلقه فقیه" برای حفظ قدرت مطلقه سرمایه‌داری تجاری در جمهوری اسلامی و... شد. کسانی که از نزدیک مطبوعات چاپ داخل کشور را در این دوران مطالعه و بررسی کرده و مطالب آنرا در جهت تحلیل واقعی اوضاع ایران پیگیری کرده باشند، این ارزیابی ما را تائید می‌کنند.

حاصل بدست آمده از این کارزار طبقاتی-اجتماعی را می‌توان در خطوط زیر بیان کرد:

— پایان عمر حکومت ائتلافی گروه‌بندی رسالت (مرکب از حزب "موتلفه اسلامی"، روحانیت باصطلاح مبارز تهران و حجتیه) با تکنوکرات‌های دولتی، که حاصل آن تحمیل برنامه اقتصادی "تعدیل اقتصادی" به کشور بود!

— به حرکت در آمدن موج عظیم دفاع از آزادی‌های محدود کنونی در جمهوری اسلامی و ضرورت بازگشت احزاب سیاسی به صحنه سیاسی کشور و دفاع از آرمان‌های واقعی انقلاب بهمن ۵۷؛

— افشای چهره طرفداران "ولایت مطلقه فقیه" که در صورت برقراری ولایت مطلقه طبقاتی خویش (سرمایه‌داران تجاری وابسته و زمینداران بزرگ) یا "ولی فقیه"، "دستگاه ولایت" و "مراجع تقلید" خویش را بر سر کار خواهند آورد و یا این دم و دستگاه را با دم دستگاهی همراه‌تر با دیکتاتوری طبقاتی خویش و از طریق مجلس و قانون (!) عوض خواهند کرد!

— جلوگیری محدود از یک‌تازی شورای نگهبان، در جریان تعیین صلاحیت کاندیداها به سود ارتجاعی‌ترین و وابسته‌ترین جناح

## راه توده و انتخابات

"راه توده" از ماه‌ها پیش و در ارتباط مستقیم با انتخابات مجلس پنجم، تاکید کرد، که از دو شیوه برخورد با مسئله انتخابات، یعنی "تحریم" و "یورش" سیاست دوم را بر می‌گزیند. ما در تشریح این انتخاب و گزینش خود نوشتیم، که در لحظه کنونی، با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر ایران و استفاده ارتجاع از باورهای مذهبی مردم، سیاست "تحریم" در واقع و درعین حال که می‌تواند موجب برخی فشارهای دول خارجی به حکومت بشود، می‌تواند صحنه را به ارتجاع نیز واگذار کند و فرصت بزرگی برای افشای ارتجاع و رشد آگاهی "جنبش آزادیخواهی مردم ایران" از دست برود! درعین حال که این نوع فشارهای خارجی نیز خود مشروط به منافع و سیاست‌های فی‌مابین این دولت‌ها و جمهوری اسلامی است! ما در همین ارزیابی خود، سیاست "تحریم" را در عرصه داخلی و در جهت بسیج مردم بسیار ناتوان‌تر از سیاست "یورش" و "افشاگری" ارزیابی کردیم.

ما در تشریح همین سیاست و ضمن تاکید بر ضرورت دفاع بی‌تزلزل از آزادی‌های بسیار محدود کنونی در جمهوری اسلامی، که ارتجاع برای بستن دفتر آن کمین کرده است، بر این واقعیت نیز انگشت گذاشتیم، که گروه‌بندی ارتجاعی "حجتیه، موتلفه، رسالت" علاوه بر آنکه باندازه کافی مورد حمایت انگلستان است، بلکه برای رسیدن به قدرت مطلقه و تسلیم تام و تمام ایران به امپریالیسم جهانی نیز، کوچکترین تردیدی را به خود راه نخواهند داد و برای رسیدن به این هدف نیز ابتدا حمام خون را در سراسر ایران به راه خواهد انداخت. یورش سراسری به مطبوعات غیر حکومتی و اندک آزادی‌های تحمیل شده به حکومت در سال‌های پس از پایان جنگ با عراق نیز مقدمه این یورش خونین خواهد بود، که قربانیان آن میلیون، دگراندیشان، ملیون مذهبی، میهن‌دوستان واقعی ایران، مذهبیون آرمان‌خواه، مذهبیون طرفدار عدالت اجتماعی، آزادی و استقلال (شعارهای انقلاب بهمن) و... خواهند بود.

ما حتی نوشتیم که آنها به کمک امپریالیسم جهانی خواب کودتائی نظیر کودتای مخوف اندونزی را برای ایران می‌بینند که در آن صدها هزار میهن‌دوست، دگراندیش، کمونیست و... قتل عام شدند.

پایه‌های وابستگی مستقیم اقتصادی سرمایه‌داری تجاری ایران با امپریالیسم جهانی، روابط ناگزیر سیاسی خود را می‌طلبند، که این روابط نیز جز پیروی از سیاست‌های جهانی امپریالیسم نیست!

اگر چنین کودتائی، در صورت کسب قدرت مطلقه ارتجاع، به نتیجه فوری نرسد و جنگ داخلی را در ایران موجب شود، این جنگ نیز عملاً راه ورود مستقیم آمریکا را به ایران هموار می‌کند، و در صورتیکه موفق شود، در پیوند با ارتجاع منطقه، مجری سیاست‌های امپریالیسم جهانی خواهد بود!

این مرور بسیار کوتاه، از آن رو ضروری بود، تا به زمینه‌های ضرورت "فعال" بودن در کارزار انتخاباتی کنونی اشاره شده باشد. صرف نظر از نتایج دو سیاست و مثنی "تحریم" و "یورش" که باید دقیقاً آنرا تحلیل کرد، تا درس‌های لازم از آن گرفته شود، ضمن تاکید بر ادامه سیاست حزب توده ایران مبنی بر "اتلاف" و "اتحاد" با همه احزاب و سازمان‌های طرفدار جنبش آزادیخواهی مردم ایران (با هر شعار و سیاست مستقلى که حق طبیعی هر تشکل سیاسی است)، ما اعتقاد داریم، در لحظه کنونی و برای شکستن رای ارتجاعی‌ترین جناح بندی حکومتی (رسالت-موتلفه-روحانیت مبارز-حجتیه) باید به سود دو گروه‌بندی و لیست انتخاباتی فعالیت خود را تشدید کرد:

۱- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در دوران اخیر فعالیت خود، بر ضرورت آزادی‌ها و برابری آن با عدالت اجتماعی تاکید دارد، و لیست

انتخاباتی آنها که رسماً با دو تشکل دیگر یعنی "جامعه اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها" و "جامعه اسلامی معلمین" ائتلافی است.

۲- گروه‌بندی "کارگزاران" که با تاکید بر دفاع از آزادی‌های موجود و گسترش آنها و تاکید بر بازگشت به سیاست اقتصادی "عدالت اجتماعی"، عملاً صف خود را از متحدان سال‌های اخیر دولت ائتلافی، برای اجرای برنامه "تعدیل اقتصادی" جدا می‌کند! ما به همه توده‌ای‌ها -بویژه آنها که در داخل کشور حضور دارند- توصیه می‌کنیم، در جهت سیاست و مثنی اعلام شده در بالا، بر فعالیت خود بیافزایند و با همه توان خویش برای انزوی ارتجاع و شکستن رای آن، بسود "جنبش آزادیخواهی مردم ایران" وارد صحنه شوند.

از آنجا که دفاع از "جنبش آزادیخواهی مردم ایران" دفاع از آزادی‌های موجود تحمیل شده به حکومت، طرد "ارتجاع" و جلوگیری از قدرت مطلقه سرمایه‌داری تجاری وابسته، زمینداران بزرگ و روحانیون متحد آنها، افشای ماهیت و چهره واقعی و طبقاتی حکومت، امروز و در این لحظه بزرگ‌ترین وظیفه ملی می‌باشد، به همه احزاب و سازمان‌های سیاسی و ملی-مذهبی ایران توصیه می‌کنیم، بمنظور تحقق اهداف بازگو شده در این اطلاعیه، یورش یکپارچه به صف ارتجاع را در جریان انتخابات سازمان بدهند!

## "نامه مردم" و سازمان "اکثریت"

ما درعین حال، از همه طرفداران، علاقمندان و اعضای حزب توده ایران، که اکنون در کنار "نامه مردم" قرار گرفته و سیاست اعلام شده آنرا مبنی بر "تحریم انتخابات" پیگیری می‌کنند، با این هشدار که نباید اجازه داد حزب توده ایران به حزب و سازمانی متکی به اوضاع مهاجرت تبدیل شود، انتظار داریم، با واقع بینی بیشتر نسبت به اوضاع ایران نگاه کرده و ضرورت دفاع از آزادی‌های محدود و تحمیل شده به حکومت را در صدر هر برنامه و شعاری قرار دهند. سیاست حزب توده ایران پیوسته افشاگری و سازماندهی بر اساس رشد آگاهی توده‌های مردم بوده است. رشد آگاهی نیز روندی آهسته و طولانی است که پیوند ناگسستنی با آزادی‌ها (هر اندازه محدود) دارد. سیاست "هرچه بدتر، بهتر" هرگز سیاست حزب ما نبوده است و بهمین دلیل از مثنی و شعار کنونی "نامه مردم" که با مثنی و شعار راست‌ترین جناح‌های اپوزیسیون خارج از کشور نیز همسو می‌باشد، باید فاصله گرفت!

ما به دوستان و رفقای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز پیشنهاد می‌کنیم، مطالب، تحلیل‌ها و حتی اخبار نادرست هفته‌های اخیر نشریه "کار" را دوباره مرور کرده و آنرا با مطالب نشریات جناح راست اپوزیسیون مهاجر (نظیر کیهان لندن) از یکسو و نشریات غیر حکومتی چاپ داخل کشور مقایسه کرده و میزان اطلاع و آگاهی نویسندگان آنرا از اوضاع داخل کشور به سنجش و تصمیم بگذارند. ما به این دوستان و رفقا نیز همان توصیه‌ای را می‌کنیم که به طرفداران و دنبال‌کنندگان مثنی و سیاست "نامه مردم" می‌کنیم!

**صف ارتجاع را به سود "جنبش آزادیخواهی**

**مردم ایران" باید درهم شکست!**

از فاکس و تلفن شماره ۳۲۰۴۵-۲۱۲۳-۴۹ (آلمان)  
برای تماس سریع با "راه توده" استفاده کنید.